

الله ابهی

عاشقان خلعت هستی از بر افکنند و قبای سرخی از خون شهادت در بر کنند عارفان ردای اوهام براندازند و تشریف شریف حقیقت دوش گیرند خلعت تقدیس بر قامتت برانزده تر است و تشریف توحید بر هیكلت موزونتر چه که این خلعت از حریر فلک اثر است و زردوز کارخانه بی نظیر تارش عرفانست پودش ایقان صانعش پر دانا خیاطش رهبر توانا کارخانه اش ملکوت ابهی هرگز ندرد و رفو نطلبد کهنه نگرده روز بروز رونقش و لطافتش بنماید و بهیچ اوساخی نیلاید و دیده بریاید ای دوست آتشی در قلب عالم در سدره مبارکه مشتعل گشته که شعله اش عنقریب در ارکان عالم برافروزد و پرتوش آفاق امم را روشن نماید جمیع علامات ظاهر شده و کلّ اشارات مشهود گشته آنچه در جمیع صحف و کتب بوده تماماً واضح گردیده محلّ توقّف از برای احدی نمانده پیرانی از خویش و از بیگانگان گریزان بودند حال یار دل آرا سوار سمنند بادپیما شد و در میدان حقیقت جولان نمود و آنچه پنهان بود آشکار گشت سکوت و خاموشی تا کی و صمت و فراموشی تا چند شمع روشن پروانه ها در پس پرده پژمرده و پرمحن وقت آنست که جوش دریا زد و اوج ثریا جست اگر اوج افق اعلی جوئیم بال و پر باید گشود و اگر خوض در عمق دریا خواهیم دست و پا را باید شنا آموخت وقت تنگ است و حرکت خیل الهی بی درنگ باید سبقت و پیشی گرفت و شمع نورانی افروخت ع ع